



"ugly suffering" Semantic reconstruction of the lived experience of ugliness

Khadijeh Hatami Kheljan¹

1. PhD in Sociology, Al-Zahra University; E-mail: hatamielm@yahoo.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 24 September 2022;

Received in revised form: 13 December 2022;

Accepted: 17 February 2023;

Published online: 12 March 2023

Keywords:

ugliness, lived experience, stigma, stereotype, consequences, strategies

ABSTRACT

"In life there are wounds that, like leprosy, silently scrape at and consume the soul, in solitude—"¹

The word "ugly" evokes many meanings, including monstrous, ridiculous, degenerate, strange, hateful, degenerate, and degenerate. Ugliness is a deviation from the standards of beauty and a label that is an unpleasant experience and a kind of heat with unfortunate consequences for the affected people. Goffman defined stigma as 'the situation of the individual who is disqualified from full social acceptance' (Wright, 1960). This might occur in relation to a visible stigma such as a scar or functional disability, or because the individual failed to conform to social norms. Goffman showed how stigmatized persons struggled to reconcile gaps between their perceived reality and the identity expected by the social group. Based on the conceptual framework used in the present research, this research has described the experience and feeling and perception of people about the stigma of being "ugly". Understanding what emotions these people have experienced when they are judged and prejudiced by others, and what reactions and emotions they express, and through what strategies they have dealt with this issue.

Due to the moral sensitivity of the issue in the society and respect for the self-esteem of the sample people, instead of interviews, Discreet and non-intrusive methods were used (Therefore, the possibility of influencing the research process on the sample people was also neutralized), In this way, the opinions and heartaches that were posted by these people on the sites and online chat rooms,... were collected and entered into the Maxqda software. In this study, the main categories reached saturation in the comments of 204 users And the findings of the current research are presented in four general categories: 1- The formation of the self-concept of ugliness 2- The experience of ugliness 3- The consequences of ugliness 3- Strategies for facing the experience of ugliness.. The results of the present study showed; Most of the time, the perception of one's ugliness is more related to two factors than an inherent phenomenon, : 1- Labeling by another 2- Comparing yourself with another 3- Representation and limited definition of beauty in the media. Ugly people find themselves very different from others, and this difference causes them to feel insecure in their daily lives. These people experience very negative feelings in this regard, which create experiences and self-concepts such as being hateful, unlovable, inferior, mean and evil. The stain of disgrace and shame will be on them.

Among the widespread consequences of this issue, we can point out ridicule and humiliation, mental problems, low self-esteem, regression, loneliness and rejection by the opposite sex, and family formation problems. The strategies of these people in the face of the experience of being ugly can be divided into three general categories: 1-passive maladjustment strategies (crying, complaining, depression, addiction, etc.) 2-change strategies (compensation-de-identification) 3-acceptance strategies (coping and raising self-esteem, gratitude).

As mentioned earlier, ugliness is a word that has always been considered synonymous with filth and malice, shameful and ridiculous in different societies. There is this stereotyping in artworks and media representations, and angels and kind people are depicted as beautiful, but devils and evil humans are depicted as ugly and unsightly, as if outward ugliness is a sign of internal ugliness. One of the most important problems faced by these people is the existence of stereotypes and negative prejudices. It is often observed that people show altruistic and empathetic feelings when faced with people who suffer from a physical defect, but unfortunately, when it comes to the issue of ugliness, sometimes these The feelings are opposite and they show a kind of feeling of hatred and disgust and avoidance.

Therefore, the biggest problem for these people is not ugliness per se, but a series of myths and stereotypes and disrespectful treatment. Throughout history, ugly people have been discriminated against, rejected, humiliated, tortured and even killed. They have seen sufferings, the sufferings they have kept silent about as if they never existed, while it has cast a terrible shadow on their lives and souls. In the words of Sadegh Hedayat: "In life there are wounds that, like leprosy, silently scrape at and consume the soul, in solitude—"

Due to the negative stereotypes in the media and society about ugly people, they experience disrespectful treatment. The results of this research are a small reflection of the sad situation and deep suffering that ugly people face during their life, especially in their teenage years. This condition can be corrected and improved by changing the conventional attitude and establishing the discourse that "ugly is not evil and hateful."

Cite this article: Hatami Kheljan, Kh (2022). "ugly suffering" Semantic reconstruction of the lived experience of ugliness *Sociological Review (Social Science Letter)*, 29 (2), 241-255.

¹ Sadegh Hedayat

«رنج زشتی» بازسازی معنایی تجربه زیسته زشت‌رویی

خدیجه حاتمی خلجان

۱. دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه الزهراء؛ رایانامه: hatamielm@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۲</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۹/۲۲</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۸</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: زشت‌رویی، تجربه زیسته، انگ، کلیشه، پیامدها، استراتژی‌ها</p>	<p>«در زندگی زخمهایی هست که مثل خوره در انزوا روح را آهسته می خورد و می تراشد این دردها را نمی شود به کسی اظهار کرد». زشتی انحراف از معیارهای زیبایی و برجستگی است که برای افراد مشمول، نوعی داغ و تجربه‌ای بغرنج، همراه با پیامدهای ناگوار می باشد. این پژوهش به بررسی تجربه زیسته از انگ «زشت‌رویی پرداخته است. به دلیل حساسیت اخلاقی مسئله در جامعه و احترام به عزت‌نفس افراد نمونه، بجای مصاحبه از روش‌های بدون مزاحمت و محبوب استفاده گردید، به این نحو که نظرات و درد دل‌هایی که توسط این افراد در سایت‌ها و انجمن‌ها و تالارهای گفتگوی آنلاین درج گردیده بود جمع‌آوری و وارد نرم‌افزار مکس کیودا^۱ گردید. در این مطالعه، مقوله‌های اصلی، در نظرات ۲۰۴ کاربر به اشباع رسید.</p> <p>نتایج پژوهش حاضر نشان داد؛ درک زشت‌رویی خویشتن در اکثر مواقع بیش از آنچه پدیده‌ای ذاتی باشد به سه عامل عمده مرتبط است: ۱- برجستگی از سوی دیگری ۲- مقایسه خود با دیگری ۳- بازنمایی و تعریفی محدود از زیبایی در رسانه‌ها. زشت‌رویی با تجربیات و خودپنداره‌هایی مانند تنفرآمیز بودن، شرم آوری، بدشگون و شروربودن، ناقص و لکه ننگ بودن در افراد همراه است. از پیامدهای بسیار شایع این مسئله می‌توان به مورد تمسخر و تحقیر واقع‌شدن، مشکلات روحی، پایین آمدن عزت‌نفس، پسرفت، تنهایی و طرد شدن از سوی جنس مخالف، مشکلات تشکیل خانواده و فرزندآوری اشاره کرد. استراتژی‌های این افراد را در مواجهه با تجربه زشت‌رویی را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: ۱- استراتژی‌های ناسازگاری منفعلانه (گریه، شکایت، افسردگی، اعتیاد و...) ۲- استراتژی‌های تغییر (جبران-هویت زدایی و پنهان سازی) ۳- استراتژی‌های پذیرش (کنار آمدن و بالا بردن عزت به نفس، شکرگزاری). به دلیل کلیشه سازی‌های منفی که در رسانه‌ها و جامعه در مورد افراد زشت‌رو وجود دارد این افراد برخورد‌های نامحترمانه ای را تجربه می‌کنند. نتایج این پژوهش بازتاب اندکی از وضعیت غمبار و زجرهای عمیقی است که افراد زشت‌رو در طول زندگی بخصوص در سنین نوجوانی با آن دست به‌گریبان هستند، وضعیتی که با تغییر نگرش مرسوم و پی‌ریزی گفتمان «زشت شرور و تنفرآمیز نیست»، امکان اصلاح و بهبود آن وجود دارد.</p>

استناد: حاتمی خلجان، خدیجه؛ (۱۴۰۱). «رنج زشتی» بازسازی معنایی تجربه زیسته زشت‌رویی. *مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی)*، ۲۹ (۲)، ۲۴۱-۲۵۴.

۱. مقدمه

ویژگی‌های ظاهری انسان به‌عنوان قابل رویت‌ترین جنبه شخصیت آدمی، می‌تواند نقش بسزایی در زندگی و روابط اجتماعی وی داشته باشد در این میان چهره به‌عنوان یک ویژگی منحصربه‌فرد، فیزیکی و شکل‌پذیر، نماد اصلی خود است. منحصربه‌فرد است، زیرا هیچ دو چهره‌ای یکسان نیستند، و با چهره است که ما یکدیگر را می‌شناسیم، و خود را شناسایی می‌کنیم. چهره ما در گذرنامه و مدارک شناسایی ما به تصویر کشیده شده است. صورت علاوه بر این، سن، جنسیت و نژاد فرد را با درجات مختلفی از دقت نشان می‌دهد، همچنین وضعیت سلامتی و اجتماعی-اقتصادی ما، حالات و احساسات ما، حتی شاید شخصیت ما را نشان می‌دهد. همچنین منبع مهمی برای ارتباطات غیرکلامی است. گلوریا سوانسون^۱ یک‌بار گفت: ما نیازی به گفتگو نداریم، چون چهره داریم. صورت در واقع نمادی از خود است-علاوه بر این، چهره نیز عامل تعیین‌کننده اصلی در درک زیبایی یا زشتی ظاهر فردی ماست، و همه آنچه این ادراکات برای عزت‌نفس و شانس‌های زندگی بیان می‌کنند (سینوت^۲، ۱۹۸۹: ۶۰۸) با این حال، صورت، و در واقع زیبایی و بدن فیزیکی نیز، حداقل تا همین اواخر، عمدتاً توسط جامعه‌شناسی رایج نادیده گرفته شده بود. فقط زیمل^۳ و ویبلن^۴ در میان جامعه‌شناسان اولیه و بعدها ماوس و مید) به‌طور جدی به این حوزه پرداختند که ما اکنون به‌عنوان جامعه‌شناسی بدن از آن یاد می‌کنیم و باکمال تعجب، تنها در دهه ۱۹۷۰ بود که جذابیت فیزیکی در علوم اجتماعی مطرح شد. دیون و همکاران^۵ (۱۹۷۲) نشان دادند که جذابیت فیزیکی و انتساب ویژگی‌های مثبت باهم مرتبط است "آنچه زیباست خوب است". از آن زمان، مطالعات متعددی در جامعه‌شناسی ظاهر فیزیکی انجام گرفته است. جذابیت فیزیکی از اهمیت اساسی در زندگی اجتماعی برخوردار است و تأثیرات مثبت کلی دارد. در کنار این اثرات مثبت، بدیهی است که یک جنبه تاریک از ظاهر فیزیکی وجود دارد که آن‌قدرها مورد توجه قرار نگرفته است. زشتی! ارنج زشت بودن در جوامع کنونی برای افراد بسیاری، احساسی دامن‌گیر و شکننده است که از صحبت درباره اش واهمه دارند به‌عنوان نمونه؛ در ایالات متحده، تخمین زده می‌شود که از هر ۵۰ نفر، ۱ نفر با بدشکلی بدن دست و پنجه نرم می‌کند. اما به دلیل شرم و عدم تمایل افراد به صحبت در مورد مشکل خود در واقعیت این آمار احتمالاً بیشتر هم خواهد بود.

علیرغم این ادعا که مکرراً شنیده می‌شود که تفاوت‌های فردی در معیارهای زیبایی فیزیکی غیرممکن است و زیبایی کاملاً در چشم بیننده است، افراد معمولاً در ارزیابی خود از دیگران توافق زیادی نشان می‌دهند. با این حال، به نظر می‌رسد که فرهنگ به‌طور مؤثر و نسبتاً یکنواخت معیارهایی را برای برچسب زدن دیگران به‌عنوان «زیبا» و «زشت» منتقل می‌کند. در واقع می‌شود گفت انحراف از معیارهایی زیبایی، به‌عنوان زشتی درک می‌شود (لانگولیس و همکاران^۶، ۲۰۰۰: ۳۹۰).

زشتی نوعی انحراف است و افرادی که برچسب و انگ "زشت" می‌خورند پیامدهای ناگوار بسیاری را تجربه می‌کنند زیبایی همواره همچون فضیلتی درک شده است که فقدان آن ناپسند و مطرود و زشت است. زشتی واژه‌ای است که همواره در جوامع مختلف همراه با پلیدی و بدبینتی، شرم‌آور و مضحک مترادف دانسته شده است. چنانچه در آثار هنری و بازنمایی رسانه‌ها نیز این کلیشه سازی وجود دارد که فرشتگان و انسان‌های مهربان، زیبا و شیاطین و انسان‌های بدبینت، زشت و بدقیافه ترسیم‌شده‌اند گویی زشتی ظاهر نشانی از پلیدی باطن است. یکی از مهم‌ترین مشکلات بغرنج این افراد وجود همین کلیشه سازی‌های منفی است. بسیار

1 Gloria Swanson

2 Synnott

3 Zimmel

4 Veblen

5 Dion

6 Langlois

مشاهده می‌شود که انسان‌ها در مواجهه با افرادی که از نقص جسمی رنج می‌برند، احساسات هم نوع‌دوستی و همدلانه نشان می‌دهند اما متأسفانه در مورد مسئله زشتی، گاهی این احساسات معکوس است و نوعی احساس تنفر و انزجار و تحقیر بروز می‌دهند، از این رو زشتی برچسبی است که برای افراد مضمول، تجربه‌ای ناگوار و نوعی داغ است. بزرگ‌ترین معضل برای این افراد زشت‌روی فی‌نفسه نیست بلکه یک سری اسطوره‌ها و کلیشه‌سازی‌ها و برخوردهای نامحترمانه‌ای است که دیگران در حق آن‌ها روا می‌دارند در طول تاریخ، افراد زشت‌رو توسط کسانی که در نردبان زیبایی رتبه بالاتری دارند، مورد تبعیض، طرد، تحقیر، شکنجه و حتی قتل قرار گرفته‌اند.

جامعه‌شناسان، نویسندگان، حقوقدانان و اقتصاددانان شروع به بررسی این موضوع کرده‌اند و پیشنهاد می‌کنند که این موضوع در تاریخ به حاشیه رفته است و تبعیض علیه غیر زیباییان، اگرچه مستند کردن یا جلوگیری از آن دشوار است اما در واقعیت وجود دارد و یک بی‌عدالتی نامحسوس اما گسترده است تأثیرات زشتی بخصوص در سنین کم و نوجوانی می‌تواند بسیار ویرانگر باشد زیرا خودپنداره و خود آینه سان افراد در این سن بیش از هر مقطع دیگری تحت تأثیر دیگری می‌باشد. به نظر می‌رسد آنان خود را بسیار متفاوت از دیگران می‌یابند و این متفاوت بودن باعث احساس ناامنی در زندگی روزمره می‌شود و احساسات بسیار منفی را در این رابطه تجربه می‌کنند.

هدف پژوهش حاضر ارائه تصویری از تجارب زیسته و احساسات افراد زشت‌رو از فرایند کسب هویت زشتی، پیامدهای آن و استراتژی‌های مواجهه با این پدیده می‌باشد. امید است که انعکاس این تجارب رنج بار، موجب شکل‌گیری احساسات همدلانه گردیده و بر کاهش برخوردهای منفی تأثیرگذار باشد.

۲. مبانی نظری

واژه «زشت» تداعی‌گر معانی متعددی است که از جمله آن‌ها می‌توان به هیولوار، مضحک، از ریخت‌افتاده، عجیب، تنفرآمیز، منحط و ناقص‌الخلقه اشاره کرد. شبه‌علم سیماشناسی در دوران باستان بر حسب خصایص زیبا و زشت، پی به خیر یا شر اخلاقی می‌برد. مترادف‌های زشتی، دال بر شرارت، فضاحت و ضعف بودند. گرایش بر آن بود که خصیصه‌های ظاهری، بازتابی از ارزش‌های درونی یا نوعی شگون مادرزادی است. در قرن بیستم، این باورهای دوقلو مبنی بر اینکه صورت آینه روح است و زیبایی و خوبی یکی هستند و در چهره منعکس می‌شود، همچنان مانند گذشته پابرجاست. ظاهر فرد به نحوی با پذیرش و جایگاهی که در جامعه دارد مرتبط است. (هندرسون، ۱۳۹۵). در توضیح این مسئله می‌توان به اثرهاله استناد کرد، اثرهاله‌ای، خطایی در تفکر را توصیف می‌کند که در آن، شما براساس یک صفت یا یک برداشت عمومی، استنباط خاصی راجع به یک شخص، چیز یا روند انجام می‌دهید. درواقع، این اثر، تحلیل مناسب موضوع را تحریف می‌کند. وقتی همواره فرد در داستان‌ها، رسانه‌های خطی و تصویری، خوبی و مهربانی را با ظاهر زیبای قهرمانان در کنار هم و پلیدی و بدسیرتی را با صورت زشت همراه دیده است. این اثرهاله در وی شکل می‌گیرد و با دیدن هر فرد نازیبایی ناخودآگاه صفات ناپسند را به وی نسبت می‌دهد و حتی ممکن است حس انزجار و نفرت شدید را نسبت به وی احساس کند.

اگر زشتی را به‌عنوان نوعی انحراف از معیارهای زیباشناختی در جوامع تعریف کنیم دیدگاه مکتب کنش متقابل نمادین نسبت به انحراف، در تبیین این مسئله حائز اهمیت است در ادامه مفهوم داغ ننگ از منظر رویکرد برچسب‌زنی بررسی می‌شود اینکه چگونه انحراف از معیارها و هنجارهای زیبایی در جامعه می‌تواند فرایند داغ ننگ خوردن را به جریان اندازد.

نظریه کنش متقابل نمادین، برچسب‌زنی، هویت، داغ ننگ: کنش متقابل نمادین نظریه‌ای اجتماعی است که با تأکید برکنش‌های متقابل انسانی به بررسی رفتار افراد اجتماع می‌پردازد. این دیدگاه خود جزئی از بینش وسیع‌تری است که جامعه‌شناسی پدیدارشناسانه نامیده شده است. در رویکرد مذکور واکنش دیگران نسبت به‌ظاهر، رفتار، اهداف و شخصیت فرد، نقش مهمی در شکل‌گیری و تغییر هویت و اعمال وی دارد (تنهایی، ۱۳۸۳: ۴۱۰؛ کوئن، ۱۰۷: ۱۳۸۲) در کتاب داغ ننگ^۱ چاره‌اندیشی برای هویت ضایع‌شده^۲، گافمن^۱ از اصطلاح داغ ننگ برای اشاره به ویژگی یا صفتی استفاده‌شده است که شدیداً بدنام‌کننده یا ننگ‌آور است. گافمن می‌گوید: «شکاف میان آنچه یک شخص باید باشد، یعنی همان هویت اجتماعی بالقوه، و آنچه یک شخص واقعاً هست (هویت اجتماعی بالفعل)، داغ گفته می‌شود.» گافمن توضیح می‌دهد که سه نوع کمابیش متفاوت داغ ننگ را می‌توان نام برد: «اولین نوع زشتی‌ها و معایب مربوط به بدن هستند - انواع بدشکلی‌های جسمانی. نوع دوم، نواقص و کمبودهای مربوط به شخصیت فرد را شامل می‌شود، مثل متقلب، ضعیف‌النفس و ... و بالاخره نوع سوم، داغ ننگ قومی و قبیله‌ای (یا خانوادگی) است.

بلود^۲ (۲۰۰۰) سه جزء تشکیل‌دهنده داغ و فرایند داغ ننگ‌گذاری را تعیین کرده است که شامل: کلیشه، پیش‌داوری و تبعیض می‌شوند کلیشه‌ها: کلیشه‌ها جزء ذهنی داغ ننگ هستند. آن‌ها جایی هستند که عقاید خاص، هم مثبت و هم منفی بر اساس یک خصوصیت یا یک سری خصوصیات درباره فرد یا گروهی شکل می‌گیرد فرآیند تعمیم از یک ویژگی جسمانی قابل‌مشاهده به یک سری از صفات فرض شده یک جنبه اساسی فرآیند کلیشه است (هیش نون و دیگران^۳، ۲۰۰۰: ۸۹ به نقل از عباداللهی و دیگران، ۲۰۳: ۱۳۹۱). به‌عنوان نمونه زشتی در دسته اول داغ ننگ گافمن قرار می‌گیرد و کلیشه‌هایی که درباره افراد زشت تلقی شونده، بکار می‌برند وجود صفاتی مثل شیطان‌صفتی، پلیدی، تهوع‌آور، موزی، بدشغوم و... در آن‌ها را تأیید می‌کنند پیش‌داوری: پیش‌داوری جزء مؤثر داغ ننگ است. جایی که احساسات منفی، هیجانات و غیره علیه کسی، بر اساس پنداری که در ذهن یک شخص شکل گرفته است به وجود می‌آید. برای مثال افراد ممکن است درباره تبه‌کاران زیبارو احساسات منفی کمتری حس کنند تا تبه‌کاران زشت‌روی. آخرین جزء داغ ننگ تبعیض؛ است. او آن را جزء رفتاری توصیف می‌کند. این جزء جایی هست که کسی علیه افرادی با ویژگی‌های بخصوص متفاوت اقدام می‌کند. (عباداللهی و دیگران، ۲۰۳: ۱۳۹۱) مثلاً فروشندگان لباس در مورد خریداران زیبارو صبر و تخفیف بیشتری ارائه می‌دهند.

معیارهای زیبایی ظاهری امروزه به‌طور گسترده توسط رسانه‌های تصویری و فراملی تعیین می‌شود و موردپذیرش جمعی قرار می‌گیرد و زشتی به‌عنوان انحراف و فاصله از این استانداردها نگریسته می‌شود در مکتب کنش متقابل نمادین انحراف به‌عنوان چیزی که توسط جامعه برچسب یا انگ زده‌شده است مفهوم‌سازی شده است. در نظر لمرت^۴، انحراف اولیه یا نخستین، عملی است که قواعد راجع به رفتار بهنجار را نقض نموده، اما تاکنون تحت عنوان انحراف، برچسب نخورده است (گسن، ۴۹: ۱۳۷۰؛ ستوده، ۳۵: ۱۳۷۶). انحراف ثانویه، آن کج‌روی است که در پی واکنش جامعه نسبت به انحراف اولیه و تحمیل برچسب منحرف بر فرد، به‌عنوان پاسخی به این واکنش، ارتکاب می‌یابد (سلیمی و داوری، ۵۴۸: ۱۳۸۰) فاقد معیارهای زیبایی بودن فی‌نفسه (انحراف اولیه) برای فرد زشت‌رو مسئله چندانی محسوب نمی‌شود مگر زمانی که فرد توسط تعداد قابل‌توجهی از افراد دیگر، برچسب زشت‌روی می‌خورد (انحراف ثانویه) در این حالت هویت و خودپنداره و رفتار فرد، بشدت تحت تأثیر لکه ننگ‌انگی واقع می‌شود که از سوی دیگران بر او برچسب زده‌شده است.

1 Goffman

2 Blud

3 Heatherton

4 Lemert

کولی^۱ چنین استدلال می‌کند که "خود" یک شخص، از رهگذر تبادل او با دیگران رشد می‌یابد. آگاهی یک شخص از خودش، بازتاب افکار دیگران درباره خودش است؛ وی اصطلاح "خود آینه سان"^۲ را برای نشان دادن این معنی که ما خود را در آینه رفتار دیگران با خودمان می‌بینیم، به کار می‌برد. مفهومی که ما از "خود" داریم، یعنی این که چه کسی هستیم و چگونه هستیم؟، مفهوم "خود آینه‌سان" از سه عنصر اصلی ساخته می‌شود: "ظاهر ما به چشم دیگران چگونه می‌نماید؟"، "داوری او درباره ظاهر ما چیست؟" و سرانجام، "چه احساسی از خود برای ما پدید می‌آید، غرور یا سرشکستگی؟" (کووزر، ۱۳۸۳:۴۰۹)

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی درباره چهره زیبا و یا حداقل نرمال ممکن است تصویر عمیقی بر خود پنداره افراد زشت‌رو داشته باشد کلیشه‌های تاریخی، اسطوره‌ها و ذهنیت‌های منفی که درباره افراد زشت‌رو وجود دارد زندگی و کنش متقابل این افراد را عمیقاً با مشکل روبه رومی کند شاید افراد زشت‌رو به سبب داغ ننگی که بر پیشانی می‌خورند گاه احساس می‌کنند نمی‌توانند همانند افراد زیبارو موردپذیرش جامعه قرار بگیرند. به عبارت دیگر ارزیابی‌های منفی جامعه از زشتی باعث شکل‌گیری هویت‌های لکه‌دار و بی‌ارزش شده‌ای برای آن‌ها شده و در نتیجه از فرصت‌ها و منابعی که در فرهنگ مسلط است محروم می‌شوند (آبلون^۳ ۲۰۰۲: ۲). تأثیرات زشتی چهره بیش از هر چیزی می‌تواند وابسته به این اصل است که فرد زشت‌رو تا چه حد هنجارهای زیباشناختی جامعه را درونی کند و به آن باور داشته باشد به عنوان مثال نوجوانی که موافق با معیارهای متداول، تیره بودن پوستش را نشانه زشتی تلقی می‌کند دچار انحراف ثانویه گردیده و امکان دارد خودش را مستحق یا مستعد یک زندگی شاد یا موفقیت‌آمیز نداند و کمتر در جهت نیل به آن تلاش کند. اریکسون^۴ (۱۹۶۴) اشاره می‌کند که می‌تواند یک پیشگویی خودمحقق ساز^۵ وجود داشته باشد به اعتقاد طرفداران رویکرد کنش متقابل، پندارهایی که طی تعاملات خلق می‌شوند، همواره قابل ارزیابی مجدد و تعدیل هستند (ژنگ^۶، ۲۸: ۲۰۰۶). فرد می‌تواند با کلیشه‌ها و فرایندهای برچسپ زنی، فعالانه و خلاقانه برخورد نموده و اعمال خویش را طبق تفکر خود و نه قضاوت دیگران شکل دهد. بنابراین فردی که در جامعه از نظر ظاهری زشت قلمداد می‌شود اگر خود این انحراف از معیارهای زیبایی را قبول نداشته باشد این انحراف به انحراف ثانویه و پیامدهای حاصل از آن کمتر منجر خواهد شد لذا اگر فرد زشت‌رو تعاریف فرهنگی حاکم را درونی نکند یا با آن به مقابله و طرد برخیزد، انحراف ثالثه اتفاق می‌افتد همان‌طور که کیتسوز^۷ (۱۹۸۰، ص ۹) بیان می‌کند، انحراف ثالثه به «مقابله، ارزیابی و طرد منحرف از هویت منفی نهفته در انحراف ثانویه و تبدیل آن هویت به یک خودپنداره مثبت و قابل‌دوام». اشاره دارد. یعنی تبدیل یک موقعیت عمیقاً منفی در دوران کودکی و نوجوانی به موقعیتی بسیار مثبت‌تر در بزرگسالی.

۳. پیشینه تجربی

هکرت و بست^۸ (۱۹۹۷) در پژوهش کیفی «جوجه اردک زشت: تئوری برچسب زدن و انگ زدن به موهای قرمز». با ۲۰ فرد مو قرمز مصاحبه کردند. ابتدا، با استفاده از موضع نسبیتی تئوری برچسب زدن، موی قرمز به عنوان نوعی انحراف توصیف شد. دوم، فرآیندهای درگیر در برچسب زدن افراد مو قرمز به‌ویژه در رابطه با اینکه چگونه افراد مو قرمز شخصاً کلیشه‌سازی را تجربه کرده‌اند، موردبررسی

1 Cooley

2 looking glass self

3 Ablon

4 Erikson

5 Self-fulfilling prophec

6 Zhang

7 Kitsuse,

8 Heckert, D. M., & Best, A

قرار گرفت. نتایج نشان داد، کلیشه‌هایی که افراد موقرمز در ساختار اجتماعی به تصور می‌کشد به شرح زیر است: خلق‌وخوی تند، دلک، عجیب‌وغریب، ایرلندی بودن، ناتوانی برای قرار گرفتن در آفتاب، زنان وحشی، مردان حيله‌گر و برتری فکری. درنهایت، تأثیر برجسب منفی و برخورد منفی در جامعه موردتوجه قرار گرفت. افراد موقرمز معمولاً در دوران کودکی تحت برخورد منفی قرار می‌گیرند و در نتیجه، افراد موقرمز اعتمادبه‌نفس پایین، احساس متفاوت بودن و مرکز توجه بودن را تجربه می‌کنند تجربه مهم رایج دیگری به این صورت بود که با بالا رفتن سن، افراد موقرمز احساس و ارزیابی مثبت از هویت موقرمز بودن را جانشین احساسات منفی کردند. در اصل، آن‌ها نمونه‌ای از منحرفان درجه سوم می‌شوند یعنی ارزیابی و رد هویت منفی نهفته در انحراف ثانویه، و تبدیل آن هویت به یک خودپنداره مثبت و قابل دوام.

پیر ویلهلم و ماریانلا مورالس کالاتایود^۱ (۲۰۱۶) در پژوهش «تأثیر خانواده، همسالان و رسانه‌ها بر درک زنان تحصیل‌کرده کوبایی و مکزیکی از زیبایی زنانه و احترام به بدن» به این موضوع پرداختند که چرا زنان کوبایی ممکن است نسبت به زنان همسال خود در مکزیک نگرش مثبت‌تری نسبت به زیبایی و ظاهر خود داشته باشند. به‌طور کلی، «کوبایی‌ها» نوعی اعتمادبه‌نفس و قدردانی مثبتی از ظاهر خود نشان می‌دهند که در بین زنان آمریکای لاتین منحصربه‌فرد است تبلیغات تجاری در کوبا وجود ندارد، جایی که قرار گرفتن زنان در معرض آرمان زیبایی لاغری و نوردیک از طریق رسانه‌های چاپی و الکترونیکی محدود است و سنت‌های اجتماعی و آداب‌ورسوم به نفع پیشرفت اجتماعی آن‌هاست. در مقایسه، شیوع بسیار بالاتری از عزت‌نفس بدنی در مکزیک در میان «مکزیکی‌ها» وجود دارد. محققان عموماً این مشکل را به ترویج بی‌وقفه ایده‌آل‌های زنانه لاغری توسط رسانه‌های گروهی تجاری و هنجارهای اجتماعی و فرهنگی نسبت می‌دهند.

ساتوشی کانازاوا و مری استیل^۲ (۲۰۱۸) در پژوهش «آیا واقعاً مزیت زیبایی یا تاوان زشتی در درآمد تأثیر دارد؟» به تجزیه‌وتحلیل داده‌های مطالعه روی ۲۰ هزار دانشجوی جوان پرداختند. دانشجویان ابتدا در سن ۱۶ سالگی مورد مصاحبه قرار گرفته و زیبایی فیزیکی آن‌ها محاسبه شد و این کار سه دوره بعد و تا سن ۲۹ سالگی آن‌ها تکرار شد. نتایج نشان داد این نظریه که نازیبایی بر درآمد افراد تأثیر منفی دارد چندان نیز درست نیست. زمانی که محققان دیگر معیارها مانند سلامت و هوش را نیز موردبررسی قرار دادند، دریافتند افرادی که هشیارتر و برون‌گراتر بوده و کمتر عصبی می‌شوند، نسبت به دیگران درآمد بالاتری دارند.

قاطع‌ترین شواهد در مورد اهمیت اجتماعی-اقتصادی زیبایی و زشتی توسط کاپوروفسکی (۱۹۸۹)^۳ در مطالعه وی در مورد نظرسنجی پانل کیفیت زندگی کانادایی از ۴۰۰۰ کارگر تمام وقت توسط دانشگاه یورک در سال‌های ۱۹۷۷، ۱۹۷۹ و ۱۹۸۱ ارائه شده است. کاپوروفسکی نشان داده است که ظاهر خوب و درآمد بالا باهم ارتباط زیادی دارند. متوسط درآمد افراد خوش‌قیافه حتی با متغیرهای مداخله‌ای مانند سن، سال‌های تحصیل، عضویت در اتحادیه، تعداد سال‌های شرکت و غیره ثابت است. علاوه بر این، کاپوروفسکی نشان داده است که ظاهر خوب، ثروت را تعیین می‌کند، نه برعکس، طبق ارزیابی پاسخگویان افراد خوش‌قیافه بسیار بیشتر صادق هستند. گفته می‌شود که ۸۱ درصد افراد خوش‌قیافه صادق هستند درحالی‌که فقط ۵۹ درصد افراد زشت. برعکس، ۴۱ درصد از زشت‌ها در مقایسه با تنها ۱۸ درصد از افراد خوش‌قیافه، غیر صادقانه در نظر گرفته شدند. یکی از توضیح‌ها برای این تفاوت، کاربردی بودن جلوه‌های هاله/شاخ است.

1 Pierre Wilhelm and Marianela Morales Calatayud

2 Kanazawa, S., & Still, M. C.

3 Kaczorowski, Janusz

۴. روش تحقیق

براساس چارچوب مفهومی استفاده‌شده در تحقیق حاضر، این پژوهش به بررسی تجربه زیسته و توصیف احساس و ادراک افراد از داغ زشت‌رویی پرداخته است، منظور از تجربه زیسته یک بازنمایی از تجربیات و انتخاب‌های یک شخص معین و دانشی است که او از این تجربیات و انتخاب‌ها به دست می‌آورد (گیون و لیس، ۲۰۰۸). درک این موضوع که هنگامی که این افراد مورد قضاوت و پیش‌داوری دیگران واقع شده‌اند چه احساساتی را تجربه کرده‌اند و چه واکنش‌ها و احساساتی را ابراز می‌کنند و از طریق چه راهکارهایی به مقابله با این مسئله پرداخته‌اند. به دلیل تناسب روش کیفی برای کشف پیچیدگیها و زوایای پنهان و عمق یک پدیده، و تفسیر تجارب زیسته از روش کیفی و جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش نظریه زمینه‌ای بهره گرفته شده است. به دلیل حساسیت اخلاقی مسئله زشتی در جامعه و احترام به عزت‌نفس افراد نمونه، بجای مصاحبه از روش‌های بدون مزاحمت و محجوب^۱ استفاده گردید (بنابراین امکان تأثیرگذاری فرایند تحقیق نیز بر افراد نمونه خنثی گردید) به این نحو که نظرات و درد دل‌هایی که توسط این افراد در سایت‌ها و انجمن‌ها و تالارهای گفتگوی آنلاین (ناشناخته ماندن هویت فرد در چنین فضاهایی موجبات ابراز نظرات صادقانه و بی‌واهمه را فراهم می‌آورد) درج گردیده بود جمع‌آوری و وارد نرم‌افزار مکس کیودا (۲) گردید^۲ صاحب‌نظران پدیدارشناسی چهار مرحله ۱- خواندن و درک کلیت متن داده‌ها؛ ۲- افق‌سازی و تلخیص داده‌ها؛ ۳- تشکیل واحدهای معنایی و ۴- وصف مضامین را برای تحلیل داده‌ها برشمرده‌اند (پروری، ۱۳۹۸). در این مطالعه نیز بعد از گردآوری تمامی نظرات، نظرات بارها خوانده و مقوله‌های اصلی استخراج شدند. در این مطالعه، مقوله‌های اصلی در نظرات ۲۰۴ کاربر به اشباع رسید و یافته‌های پژوهش حاضر در چهار مقوله کلی مطرح شده است ۱- شکل‌گیری خودپنداره زشت‌رویی ۲- تجربه زشت‌رویی ۳- پیامدهای زشت‌رویی ۳- استراتژی‌های مواجهه با تجربه زشت‌رویی.

۵. یافته‌ها

۵-۱. شکل‌گیری خودپنداره زشت‌رویی

درک زشت‌رویی خویشتن در اکثر مواقع بیشتر از آنچه پدیده‌ای ذاتی باشد امری اکتسابی است و به سه عامل عمده ربط دارد ۱- برجسب‌زنی از سوی دیگری (بخصوص در دوران کودکی و نوجوانی) - ۲- مقایسه خود با دیگری. این دو عامل بیشتر در بستر خانواده و نیز گروه‌های همسالان رخ می‌دهد. کولی معتقد است که مفهوم "خود" ابتدا در دوران کودکی شکل می‌گیرد و سپس در طول زندگی هر زمان که شخص وارد موقعیت اجتماعی جدیدی می‌گردد، دوباره ارزیابی می‌شود. این مفهوم، از کنش‌های متقابل ما با دیگران به وجود می‌آید، بازخوردهایی که ما از مردم درباره خودمان می‌گیریم، به ما می‌فهماند و می‌قبولاند که چه کسی و چگونه آدمی هستیم. ۳- تعریف ملاک‌هایی محدود برای زیبایی در رسانه‌ها و نادیده گرفتن تنوع سلیق زیباشناختی و زدن برجسب‌های منفی به افرادی که فاقد این ملاک‌ها باشند. در حالت کلی رسانه‌ها با تعاریف و معیارهایی که از ظاهر ایده‌آل ارائه می‌دهند، می‌توانند بر روی احساس فرد از خود تاثیر بگذارند.

«هیچ وقت با قیافم مشکلی نداشتم مشکل و حساسیتیم از زمانی شروع شد که خانوادم خواهرام برادرام به من می‌گفتن زشتی. تو مدرسه هم دوستام قیافمو مسخره می‌کردند انقدر حرفای دیگران منو حساس کرد که دیگه مطمئن شدم منم یه پسر زشتم».

«کسی به من نمیگه زشتی ولی وقتی میخوان مقایسه کنن هیچ کس نمیگه خوشکلی یا معمولی هستی. همه میگن خواهرت خوشکله، داداشت خوشکله، تو به کی رفتی این جور شدی. خونه همش گریه می‌کنم، خیلی حس بدیه که وقتی تو عروسی، مهمانی و جاهای شلوغ خودتو با بقیه مقایسه می‌کنی می‌بینی از همه زشت‌تری».

«دماغم بزرگه، پوستم سیاهه و یه کوتوله چاقم شبیه شخصیت‌های زشت و بدجنس و نفرت‌انگیز فیلم‌ها که همه ازشون متنفرند اما خواهرم سفید و زیبا و قدبلنده مثل سفید برفی، همه اونو دوست دارن فکر می‌کنن مثل سفید برفی مهربون هم هست، حقم دارند همیشه آدمای خوب و مهربون تو فیلما خوشگلن و آدمای بد مثل من زشت».

۵-۲. درک زشتی

افراد زشت خود را بسیار متفاوت از دیگران می‌یابند و این متفاوت بودن باعث احساس ناامنی در زندگی روزمره می‌شود این افراد احساسات بسیار منفی را در این رابطه تجربه می‌کنند که موجب تجربیات خودپنداره‌هایی مانند تنفرآمیز بودن، غیر قابل دوست داشتنی بودن، حقیر بودن، شرمساری، بدشغوم و شرور بودن، پلید و شیطانی بودن، زخم مضحک و لکه ننگ بودن در آنان می‌شود.

«با اینکه تحصیلات عالی دارم هنوز هم مثل دوره دبیرستان وقتی می‌خوام به جمعی برم یا حتی تو خیابون یه حس ترسی باهامه، اینکه مبدا یهو کسی قیافمو تحقیر کنه، زشتی مثل یه لکه تنفرآور می‌مونه که به قیافت چسبیده، یه چیز که همیشه باهاته و تورو متفاوت و غیر قابل دوست داشتن می‌کنه، نگاه‌های خیره مردم اذیتم می‌کنه ... دوتا حس رو باهم دارم احساس حقارت بخاطر قیافه‌ام و خشمم از مسبب این قضیه».

«وقتی از دبستان مسخره بشی بخاطر اینکه زشتی، کوتوله‌ای، سیاهی و تا دبیرستان حتی نتونی با کسی تو حیاط بگردی و باید تنها باشی. وقتی تو دانشگاه همش باید سرت پایین باشه تا یه دختر بهت نگاه نکنه و پیش خودش نگه چه زشته، وقتی تو دانشگاه به خاطر قیافه زشتی که داری نتونی بری تو بوفه بشینی و یه چیزی بخوری یا حتی بیرون از دانشگاه به خاطر قیافه زشتت نتونی بری مغازه یه چیزی بخری، وقتی به خاطر عکس زشتت بعد از چند سال نتونی بری گواهینامه رانندگی بگیری چون فقط می‌ترسی که کارمند اونجا به عکست نگاه کنه چه حسی بهتون دست میده؟ من حتی سر کلاس دانشگاه هم نمی‌رفتم چون ممکن بود یکی باهام حرف بزنه و قیافه م رو ببینه...».

«انگار ناقصی یا یه زخمی باهات همیشه همراهه، یه زخمی که کسی بفکر مرحم برات نیست چون مضحکه براشون خنده داره با خنده‌ها و تمسخرهاشون بجای مرحم نمک میزارن رو زخمت، در واقع زشت بودن بدتر از معلول بودن».

۵-۳. پیامدهای زشت‌رویی

این افراد در جامعه بخاطر ظاهرشان با مشکلات بسیاری مواجه هستند آن‌ها این انگ (برچسب زشت‌رویی) را همچون داغ و ننگی احساس می‌کنند که همواره جزیی از هویتشان است واکنش‌ها و پیامدهای گوناگونی برای آن‌ها در پی داشته است. از پیامدهای بسیار شایع می‌توان به مورد تمسخر و تحقیر واقع شدن، مشکلات روحی، پایین آمدن عزت‌نفس، پسرفت، تنهایی و طرد شدن از سوی جنس مخالف و مشکلات تشکیل خانواده اشاره کرد.

تمسخر و تحقیر: از آزار دهنده‌ترین و شایع‌ترین پیامدهای زشتی، رفتارهای آزاردهنده افراد دیگر است این رفتارها بیشتر بصورت تمسخر، تحقیر و برچسب و لقب دهی یا ناشایست می‌باشد به جرات می‌توان گفت تحمل این رفتارها برای این افراد از تحمل فی‌نفسه خود زشتی سخت‌تر است. این پیامد علت بسیاری از مشکلات و پیامدهای دیگر برای افراد زشت می‌باشد

«من دختری نازیبا (زشت) هستم، از بچگی تحقیر می‌شدم، تو مدرسه و الانم، در دانشگاه هر روز دلم می‌شکست و میشکته. مردم وقتی از کنارم رد میشن پیر و جوون و... میگن سیاه پوست، آفریقایی و اینجور چیزها. از طرف دیگه اقابون هم همه همسر زیبارو

میخوان. چیکار کنم؟؟ چطور به مردم بگم منم احساس دارم و با گفتن کلمه زشت دلم رو نرنجونم؟؟ منم دوست دارم عاشق بشم، مهمونی برم ولی... نمیشه...».

«از اینکه تمسخر میشم ناراحتم. دلم میخواد برم بیرون، سینما و پارک و... ولی نمیتونم چون وقتی میرم مردم شروع میکنن مسخره کردن و من اعصابم خرد میشه. میدونم ازدواج کنم بدتر میشم. من اخلاقم خوبه و همه از اخلاقم تعریف میکنن اما ادمای بی فرهنگ تو خیابون با یک نگاه مسخره میکنن در حالی که هیچی از زندگی من نمیدونن. آینه که منو داغون میکنه.»

«من از بچگی بخاطر قیافم اذیت شدم، همیشه توی مدرسه مسخرم می‌کردن، کلاس زبانمو بخاطر قیافم رها کردم، حتی از طرف معلم من مسخره می‌شدم چه برسه به بچه‌ها، هیچ وقت به دوست صمیمی نداشتم، حتی توی دانشگاه. از دانشگاه بخاطر دعوا اخراجم کردن و همش بخاطر اینکه اونا مسخرم می‌کردن.»

مشکلات روحی، پایین آمدن عزت نفس، پسرفت: کولی (۱۹۰۲) بیان کرد که تصورات ما از خود، در تخیل ما از ظاهرمان در چشم دیگران، تخیل ما از قضاوت آن‌ها در مورد آن ظاهر و احساسی که حاصل می‌شود، ریشه دارد. تمسخر و دیگر رفتارها و واکنش‌های منفی که افراد زشت از سوی دیگران دریافت می‌کنند باعث پیدایش خودزشت انگاری و پایین آمدن عزت نفس و سایر مشکلات روحی در این افراد می‌شود.

«منم به پسر ۲۰ ساله هستم که خیلی زشتم و بخاطر قیافم معتاد شدم به خاطر این زشتی از زندگیم عقب افتادم آگه خوشگل بودم انگیزه درس خوندن داشتم که برم دانشگاه یا حداقلش برم سرکار ولی نمیتونم چند دفعه ام به خودکشی فکر کردم.»

«باید بگم این مشکل تو جامعه ما آدما باعث یک نوع بیماری روحی میشه... اعتماد ب نفس رفته رفته کم میشه به طوری که کلاً ناپود میشه از خانواده و اجتماع هم طی این روند دورتر و دورتر میشی تا جایی که می‌فهمی کاملاً تنها هستی... متأسفانه باید بگم گاهی اوقات این باعث نوعی جنون میشه که خیلی از مجرمین که مرتکب جرائم سنگین شدن به این جنون مبتلا هستن... و احتمالش هم هست ک با چیزهایی مثل سیگار و کم کم مواد رو به ناپودی برید... شاید هم تصمیم بگیرید فقط خودتون باشید و انقدر تلاش کنید ک زندگی کاملی رو در تنهایی داشته باشید... ولی باید بگم که ما تنها هستیم.»

«من زشتم... و زشترویییم رابطه مستقیم رو اعتماد بنفسم گذاشته و نبود اعتماد بنفسم باعث شده فرصت‌های کاری‌ای رو از دست بدم و از همین رو باعث شده فقیر باشم و فقیر بودنم انگیزه و امید زندگیم رو برده.»

تنهایی و طرد شدن: وقتی این افراد قیافه خود را با هنجارهای زیباشناختی جامعه مقایسه می‌کنند خود را متفاوت از این هنجارها و افراد نرمال و زیبای جامعه می‌بینند. احساس متفاوت بودن و در سطح پایین جذابیت قرار داشتن، باعث می‌شود این افراد به شدت احساس منفور بودن و طرد شدگی کنند. آن‌ها چنین می‌پندارند که از سوی دیگران بخاطر ظاهرشان مورد پذیرش قرار نمی‌گیرند و تنها هستند این احساس تنهایی در آن‌ها بحدی شدید هست که بسیار علاقمند بودند برای درد و دل و فرار از تنهایی باهمسانان خود، گروه‌هایی مجازی تشکیل دهند.

«من تا حالا هر چی کشیدم از قیافه بدم کشیدم... کوچیک که بودم پدر و مادرم به خاطر زشتیم از من بدشون میومد و منو همیشه کنکم می‌زدن... وقتی به مدرسه ابتدایی رفتم بچه‌ها دوست نداشتن باهام بازی کنن و تنها بودم همیشه... پامو گذاشتم راهنمایی گفتم سعی کنم به بچه‌ها نزدیک تر بشم ولی هر چی من نزدیک‌تر می‌شدم اونا دورتر می‌شدن حتی نزدیک بود از تنهایی خودمو بکشم... تودوران دبیرستان نمیدونید همکلاس بودن باکلی پسر خوشگل و نازبرام چقدر سخت بود. حالا از اون آدم با اون همه مشکلات به مرده متحرک باقی مونده.»

«میدونی زشت‌روی اینش بده که تا آخر عمرت تنهایی و هیچ دوستی نداری مثل من جرم این که زشتم و بخاطر اینکه کمی سیاه هستم منو مسخره میکن همیشه ... الان یک سال که تنهام و هیچ دوستی ندارم البته من میخوام باهاشون دوست باشم ولی اونا نه.»

طرد شدن از سوی جنس مخالف و مشکلات تشکیل خانواده: در ایران مشکل ازدواج و تشکیل خانواده بعلل اقتصادی، اجتماعی،... معضلی است که گریبانگیر اکثریت جوانان است در این میان افراد زشت رو بعلت خود پنداره‌ای که دارند علت این مشکل را بظاهرشان نسبت می‌دهند آن‌ها احساس می‌کنند بخاطر نازیبایی ظاهری قابلیت این را ندارند که از سوی جنس مخالف مورد پذیرش و عشق واقع شوند. همچنین ترس از مورد خیانت واقع شدن بخاطر قیافه نازیبا و انتقال وراثتی زشتی به فرزندان موجب ترس از تشکیل خانواده در این افراد می‌شود.

«تو سن ازدواج هستم و تحمل نیازهام (عاطفی و جنسی) روز به روز سخت‌تر میشه. دیروزم با یکی از بهترین دوستانم دوتایی رفته بودیم تو دامن طبیعت یکم که صحبتامون محبت آمیز شد برگشت گفت دلم خیلی برات میسوزه خیلی حیفی گفتمم چرا گفت اخه کسی باهات ازدواج نمیکنه تازه اگرم بکنه بخاطر خودت نیست و هیچ وقت عاشقت نمیشه با این قیافه ". دوستم اینم گفت: نمخوام تو دلتو خالی کنم ولی با این قیافه که تو داری بهتره ازدواج نکنی دختره بیچاره گناه داره احتمالاً اگر ازدواج کنی بهت خیانت میکنه...».

«آخه کی عاشق یه آدم زشت میشه!! فیلم هارو نگاه کنید آگه توش یه معشوق زشت پیدا کردید امیدوار بشید... من زشت حتی اگر ازدواج کنم موضوع بدتر میشه چون یه لحظه فک کن با شوهرم توخیابون از بغل یه زن بد حجابی که زیباییهاشو در معرض دید گذاشته رد میشی شوهرم نگاش کنه خوب داغون میشم از اینا بگذریم نیش و کنایه‌های فامیل که میگن عروسشون چقدر زشته و... تو روحیه خیلی تأثیر میزاره، میدونم خوشگلی خوشبختی نمایاره ولی حذاقلش آینه که حسرتی بار پوشیدن لباس عروس به دلت نمیمنه. حسرت بغل کردن بچه خودت، حسرت مادر شدن».

۵-۵. استراتژی‌های مواجهه با زشت‌رویی

استراتژی‌های این افراد را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد ۱- استراتژی‌های ناسازگاری منفعلانه ۲- استراتژی‌های تغییر ۳- استراتژی‌های پذیرش.

۱- **استراتژی‌های ناسازگارانه:** منظور از استراتژی‌های ناسازگارانه، رفتارهایی است که ناشی از نارضایتی فرد از شرایط و ظاهری فعلی بدون تلاش در جهت تغییر یا اصلاح آن است. مواجهه با مشکل بصورت رویکردی انفعالی و عدم تلاش برای حل آن است که در این رویکرد می‌توان به راهبردهای، گریه و افسوس خوردن، آرزوی مرگ و اقدام برای خودکشی، شکایت از عدل خدا، دورگزینی از جامعه و انزوا و اعتیاد اشاره کرد.

«من فردی نوزده ساله هستم... شاید باورتون نشه سه ساله از خونه بیرون نرفتم تمام زندگیمو باختم الانی که داره می‌نویسم براتون ب حضرت فاطمه قسم با گریه می‌نویسم ک باور کنید بیرون فقط نون وایی میرم و میام و همیشه سرم پایینه همیشه من شبا رو خیلی دوس دارم و وقتیکه صبح میشه دعا می‌کنم سریع شب بشه آرزو می‌کنم هیچ وقت صبح نشه من فقط شبا اونم بعضی وقتا میرم بیرون اونم فقط مغازه سریع برمیگردم حتی بابام مادرم و دوستانم این رازه منو نمیدونه چرا نمیرم بیرون فک میکنم افسردم ولی نمیدونن که من بخاطره زشت‌روییم نمیرم گاهی اوغات تصمیم می‌گیرم برم سوریه بمیرم ولی حتی روم نمیشه برم بیرون آدم تنهایی هستم».

«شده چن ماه چن ماه تو خونه بمونی که مبادا با کسی بیرون رو به رو بشی که بهت تیکه نندازه چقد زشتی اصن میفهمین من چی میگم؟؟ واسه همین از مهمونی رفتن بدم میاد. حس می‌کنم با دخترای دیگه فرق دارم. همیشه منزوی و ساکنم نمیدونم این چه عدالتی که خدا داره!! یه نفر به خاطر چهره زیباش از تمام عمرش لذت ببره و تو موقعیت‌های خوب قرار بگیری ولی یه نفر نه برعکس به خاطر چهره به اصطلاح بدش...».

«خیلی زجر کشیدم و می‌کشم تا جاییکه یک بار به صورت جدی تصمیم به خودکشی گرفتم ولی نشد: ((واقعا موندم چیکار کنم آخه چرا من؟؟ کوچک‌ترین چیزی تو زندگی عاید من نشد تا زگی از مامان بابام بخاطر این که منو بدنیا آوردند حالم بهم میخوره. باهاشون

حرف نمی‌زنم میدونم جز مرگ راهی برای خلاصی از این زندگی نیست یه کمی پول نذر کردم توی صندوق صدقات ریختم تا خداوند نذرمو قبول کنه و زودتر بمیرم.»

«من یه پسر ۱۹ ساله هستم که خیلی زشتم و بخاطر قیافم معتاد شدم یه بار از یه نفر شنیدیم که شیشه آدمو خوشگل می‌کنه منم رفتم دنبال شیشه وقتی شیشه رو می‌کشیدم چشمم برق می‌زد و واقعاً خوشگل می‌شدم ولی بدنم سست می‌شد و نمی‌تونستم کار کنم بعد ۱ ماه از چن تا از دوستانم شنیدم که ترامادولم قیافرو خوشگل می‌کنه منم رفتم دنبال ترامادول ولی رو قیافم اثر نداشت و الان ۱ ساله که معتاد شدم.»

۲- استراتژی‌های تغییر: در این استراتژی فرد ظاهر خود را به‌عنوان یک مشکل و معضل نگاه می‌کند و برای تغییر شرایط و معضلات ناشی از ظاهرش تلاش می‌کند دو راهبرد عمده که بکار بسته می‌شود عبارتند از ۱- آرایش و جراحی‌های زیبایی ۲- جبران آرایش و جراحی‌های زیبایی (هویت زدایی): یکی از پرکاربردترین راهبردها در میان این افراد، آرایش کردن می‌باشد، روشی موقت برای پنهان سازی نشانه ننگ نمونه‌ای از آن چیزی که گافمن (۱۹۶۳، ص ۴۴) هویت‌زدایی^۱ می‌نامد، کنش یا نشانه‌ای که درواقع امیدوار است که هویت یا تصویری منسجم موجود از او را از هم بپاشد، هویت جدیدی برای او پدید آورد. درواقع آرایش، راهبردی برای تغییر هویت زشت‌رویی در این افراد است.

«الان سی سالمه و شش سال تموم کار کردم تا بتونم دماغمو عمل کنم چشمامو عمل کنم چربی اضافه پلکامو گرفتم که البته اونم عمل وحشتناکی بود بگذریم که چه اتفاقاتی افتاد هنوز خط خنده هست و هر شش ماه یکبار باید برم بوتاکس کنم و فیلر خط خنده بزخم خیلی کارها انجام دادم اما ولی یه مشکل هست که از همه اینا بزرگتره و نمیدونم کسی درک بکنه یا نه اصلن انتظار ندارم کسی بفهمه ... وقتی یه دختر زشت باشه و سعی کنه با یه آرایش ملایمو یه لباس قشنگ یکمی مناسبتر بشه تو ایران ما اسمش دختریکه سعی داره زندگی بهتری بسازه نیست اسمش میشه میمونک میشه فاحشه...»

«وقتی آرایش می‌کنم حس بهتری نسبت به خودم پیدا می‌کنم، انگار زشتیمو کلاً پوشندم و دیگه زشت نیستم ولی هروقت آرایش ندارم حس بدی دارم انگار بی دفاعم و هرآن ممکنه کسی قیافمو مسخره کنه مبالغه نیست آگه بگم آرایش حکم سپر رو برام داره.»

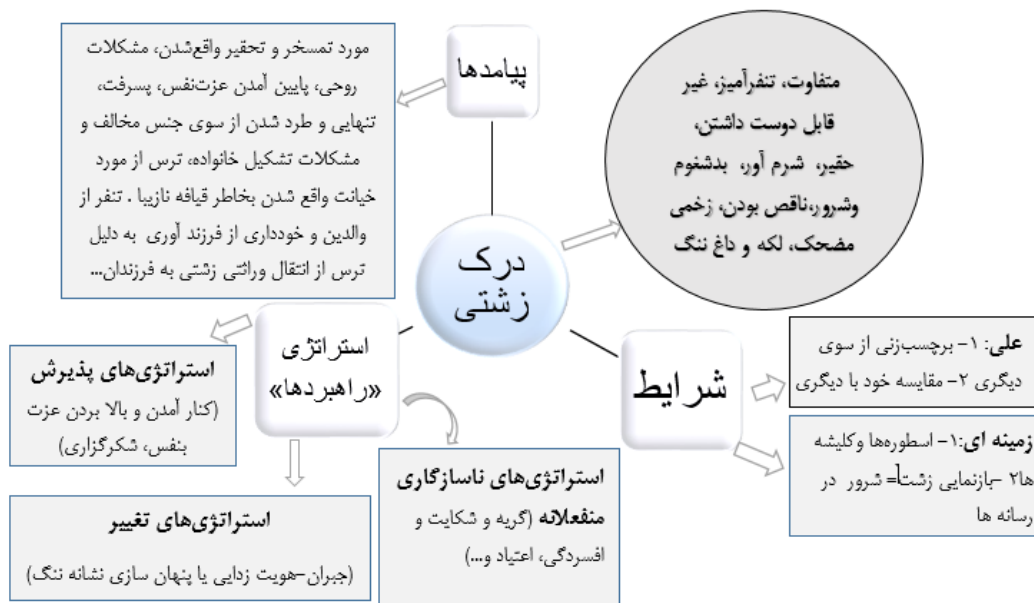
جبران^۲ (پیشرفت در سایر جنبه‌ها): از راهبردهای مثبتی که این افراد در مواجهه با احساس حقارت و ننگ ناشی از زشتی در پیش می‌گیرند راهبرد جبران است ادلر معتقد بود: احساس حقارت منبع تمامی تکاپوهای انسان و نیروی محرکه‌ای است که کل رفتار را برمی‌انگیزد. تمام پیشرفت، نمو و رشد فرد ناشی از تلاشی است که به منظور جبران حقارت‌های خویش انجام می‌دهد (شولتز و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲۷).

«ازنوجونی میدونستم از نظر جامعه ای که توش زندگی می‌کنم زشتم اره تومملکت من سیاه یعنی زشت ولی امیدمو از دست ندادم در س خوندم مهندس شدم کارکردم خیلی روزی بیست ساعت می‌شد که کارمیکردم شدم مدیرعامل یه شرکت، یه مهندس سرشناس گفتم آگه زشت پولدار باشم بهتر از زشت فقیر هست.»

«منم یه دختر زشتم، ولی زشتی دلیل نمیشه که اعتمادبه‌نفس نداشته باشم. من دانشجوی کارشناسی it هستم سعی می‌کنم خلاً، زشت‌رویی داخل کلاس با درس خوندن بیشتر پر کنم واقعاً جواب داد همه پسرهای کلاس‌مون به حدی به من احترام می‌زارند که شاید آرزوی دخترهای زیبای کلاس‌مون باشه. تصمیم دارم همین که دانشگاهم تموم شد برم ودر رابطه با رشته‌ام مهارت کامل به دست بیارم چون این روش کمک میکنه دیگه کسی به چهره من زیاد توجه نکه و بیشتر توجه به مهارت من باشه.»

کنار آمدن و بالا بردن عزت بنفس، شکرگزاری: هنگامی که فرد به این خودآگاهی می‌رسد که بغیر از زیبایی و ظاهر، ویژگی‌های فراوان دیگری نیز وجود دارند که باعث محبوبیت و موفقیت افراد می‌شود این امر با پذیرش خویشتن و بالا رفتن عزت‌بنفس همراه است. معمولاً با بالاتر رفتن سن بنظر می‌رسد میل به پذیرش و کنار آمدن با ظاهر، در افراد بیشتر می‌شود تجربیات روزمره این وسعت دید را به فرد می‌دهد که بغیر از زیبایی ظاهر عوامل متعددی وجود دارند که می‌توانند روی خوشبختی و کیفیت زندگی‌شان تأثیر گذار باشند.

«تازه الان متوجه شدم مشکل اصلی من دوست نداشتنه خودمه. درسته که ظاهر اصلاً خوبی ندارم اما واقعاً به این عقیده دارم که ادمای "قوی" و "مستقل" خیلی جذابن. من نمیتونم ظاهرمو درست کنم اما میتونم قوی باشم و از طریق قوی بودن میتونم جذابیت رو بدست بیارم. خیلیا به منم میگن زشتی، ولی من هر بار که میرم جلو آینه فقط زیبایی می‌بینم و کلی خداروشکر می‌کنم من لزومی ندارم مدام تو چهره وزیباایی دیگران کنکاش کنم و خودمو مقایسه کنم و برای احساس رضایت از خودم وزیباایی دنیاام کافیه فقط یه آینه کوچک تو کیفم داشته باشم که هر وقت خواستمایی دنبال زیباایی بگردم خودمو توش نگاه کنم...».



شکل ۱. مدل پارادایمی پژوهش (منبع: یافته‌های تحقیق)

۶. جمع بندی و نتیجه گیری

زشتی انحراف از معیارهای زیبایی و برجستگی است که برای افراد مشمول، تجربه‌ای ناگوار و نوعی داغ همراه با پیامدهای ناگوار است. بر اساس چارچوب مفهومی استفاده‌شده در تحقیق حاضر، این پژوهش به بررسی تجربه و توصیف احساس و ادراک افراد از انگ "زشت‌رویی پرداخته است و درک این موضوع که این افراد هنگامی که مورد قضاوت و پیش‌داوری دیگران واقع شده‌اند، چه احساساتی را تجربه کرده‌اند و چه واکنش‌ها و احساساتی را ابراز می‌کنند و از طریق چه راهبردهایی به مقابله با این مسئله پرداخته‌اند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد؛ درک زشت‌رویی خویشتن در بیشتر مواقع بیشتر از آنچه پدیده‌ای ذاتی باشد به سه عامل عمده ربط دارد ۱- برجستگی از سوی دیگری (به‌خصوص در دوران کودکی و نوجوانی) - ۲- مقایسه خود با دیگری ۱- برجستگی از سوی دیگری ۲- مقایسه خود با دیگری ۳- بازنمایی و تعریفی محدود از زیبایی در رسانه‌ها. افراد زشت خود را بسیار متفاوت از دیگران

می‌یابند و این متفاوت بودن باعث احساس ناامنی در زندگی روزمره می‌شود این افراد احساسات بسیار منفی را در این رابطه تجربه می‌کنند که موجب تجربیات و خودپنداره‌هایی مانند تنفرآمیز بودن، غیرقابل دوست‌داشتنی بودن، حقیر بودن، بدشغوم و شرور بودن، لکه ننگ بودن و شرمساری، در آنان می‌شود.

این افراد در جامعه بخاطر ظاهرشان با مشکلات بسیاری مواجه هستند آن‌ها این انگ (برچسب زشت‌رویی) را همچون ننگی احساس می‌کنند که واکنش‌ها و پیامدهای گوناگونی برای آن‌ها در پی داشته است. از پیامدهای بسیار شایع می‌توان به مورد تمسخر و تحقیر واقع شدن، مشکلات روحی، پایین آمدن عزت‌نفس، پسرفت، تنهایی و طرد شدن از سوی جنس مخالف و مشکلات تشکیل خانواده، ترس از مورد خیانت واقع شدن بخاطر قیافه نازیبا. تنفر از والدین و خودداری از فرزندآوری به دلیل ترس از انتقال وراثتی زشتی به فرزندان اشاره کرد. استراتژی‌های این افراد را در مواجهه باتجربه زشت‌رویی می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد ۱- استراتژی‌های ناسازگاری منفعلانه (گریه و شکایت و افسردگی، اعتیاد و...) ۲- استراتژی‌های تغییر (جبران-هویت زدایی) ۳- استراتژی‌های پذیرش (کنار آمدن و بالا بردن عزت نفس، شکرگزاری) تقسیم کرد.

همچنان که پیش‌تر اشاره گردید زشتی واژه‌ای است که همواره در جوامع مختلف همراه با پلیدی و بدطینتی، شرم‌آور و مضحک مترادف دانسته شده است. چنانچه در آثار هنری و بازنمایی رسانه‌ها نیز این کلیشه سازی وجود دارد و فرشتگان و انسان‌های مهربان، زیبا و شیاطین و انسان‌های بدطینت، زشت و بدقیافه ترسیم شده‌اند گویی زشتی ظاهر نشانی از پلیدی باطن است. یکی از مهم‌ترین مشکلات بغرنج این افراد وجود همین کلیشه‌های قالبی و پیش‌داوری‌های منفی است، بسیار مشاهده می‌شود که انسان‌ها در مواجهه با افرادی که از نقصی جسمانی رنج می‌برند احساسات هم نوع‌دوستی و همدلانه نشان می‌دهند اما متأسفانه در مورد مسئله زشتی، گاهی این احساسات معکوس است و نوعی احساس تنفر و انزجار و دوری‌گزینی بروز می‌دهند، از این‌رو بزرگ‌ترین معضل برای این افراد، زشت‌رویی فی‌نفسه نیست بلکه یک سری اسطوره‌ها و کلیشه‌سازی‌ها و برخوردهای نامحترمانه‌ای است که دیگران در حق آن‌ها روا می‌دارند در طول تاریخ، افراد زشت مورد تبعیض، طرد، تحقیر، شکنجه و حتی قتل قرار گرفته‌اند. رنج‌ها دیده‌اند، رنج‌هایی که درباره اش سکوت کرده‌اند گویی هرگز وجود نداشته در حالیکه سایه‌ای دهشتناک بر هستی و روح و روان‌شان انداخته است. به قول صادق هدایت: «در زندگی زخم‌هایی هست که مثل خوره در انزوا روح را آهسته می‌خورد و می‌تراشد این دردها را نمی‌شود به کسی اظهار کرد». نتایج این پژوهش بازتاب اندکی از وضعیت غمبار و زجرهای عمیقی است که افراد زشت در طول زندگی بخصوص در سنین نوجوانی با آن دست به‌گریبان هستند، وضعیتی که با تغییر نگرش جامعه، امکان اصلاح و بهبود آن وجود دارد بنابراین جای آن دارد که گفتمان «زشت شرور و تنفرآمیز نیست»، توسط صاحب‌نظران اجتماعی و روان‌شناسان و اصحاب رسانه و ... در جامعه پیاده‌سازی و مورد مذاقه قرار گیرد.

۷. منابع

پروری، پیمان. (۱۳۹۸). خوانشی نو از روش پدیدارشناسی؛ بنیان‌های فلسفی، رویکردها و چارچوب اجرای تحقیق پدیدارشناسی. *مطالعات جامعه‌شناسی* ۱۲(۴۴): ۸۷-۱۰۶.

حمید عباداللهی، اکبر پیری، منصور موقر نربین، (۱۳۹۱). داغ ننگ و هویت اجتماعی: بررسی موردی عوامل اجتماعی داغ ننگ زنده بر افراد دارای معلولیت جسمانی آشکار در شهر رشت، *نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۲(۱)، ۱۹۵

دوان شولتز و سیدنی آلن شولتز (۱۳۹۵) نظریه‌های شخصیت. ترجمه یحیی سیدمحمدی. نشر ویرایش.

سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی کج‌روی (کتاب اول مجموعه مطالعات کج‌روی و کنترل اجتماعی)، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه

- کوزر، لوئیس (۱۳۸۳) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، محسن ثلاثی، تهران، علمی، ۱۳۷۳، چاپ یازدهم
گافمن، اروینگ (۱۳۸۶) داغ ننگ، چاره‌اندیشی برای هویت ضایع‌شده، ترجمه مسعود کیانپور، تهران: نشر مرکز.
گرچن‌ای. هندرسن (۱۳۹۵) «تاریخ زشتی می‌گوید چیزی به نام زشتی وجود ندارد». ترجمه محمد غفوری. همشهری جوان. شماره ۵۴۸. هدایت، صادق (۱۳۱۵) بوف کور. انتشارات روزنامه ایران.
- Ablon, Joan. (2002). The nature of stigma and medical condition. *Epilepsy*
Dion, K., Berscheid, E., & Walster, E. (1972). What is beautiful is good. *Journal of personality and social psychology*, 24(3), 285.
Erikson, Kai T. 1964. "Notes on the Sociology of Deviance." Pp. 9-20 in *The Other Side*, edited by Howard Becker. New York: The Free Press
Given, L. M. (Ed.). (2008). *The Sage encyclopedia of qualitative research methods*. Sage publications.
Heatherton, Todd F. (2000). *The social psychology of stigma*. The Guilford
Heckert, D. M., & Best, A. (1997). Ugly duckling to swan: Labeling theory and the stigmatization of red hair. *Symbolic Interaction*, 20(4), 365-384.
Kaczorowski, J. (1989). The good, the average and the ugly: a socio-economic dimension of physical attractiveness.
Kanazawa, S., & Still, M. C. (2018). Is there really a beauty premium or an ugliness penalty on earnings?. *Journal of Business and Psychology*, 33(2), 249-262.
Kitsuse, John. 1980. "Coming Out All Over: Deviants and the Politics of Social Problems." *Social Problems* 28: 1 - 13.
Langlois, J. H., Kalakanis, L., Rubenstein, A. J., Larson, A., Hallam, M., & Smoot, M. (2000). Maxims or myths of beauty? A meta-analytic and theoretical review. *Psychological bulletin*, 126(3), 390.
Mauss, Marcel 1973. 'Techniques of the Body'. *Economy and Society* 2: 7s88.
Mead, Margaret 1977 [1949]. *Male and Female*. New York: Morrow Quill.
Polkinghorne, d. e (1989), *phenomenological research methods* in r.s. valle & s. halling (eds.), *existential phenomenological perspectives in psychology*(pp.41-60). New York: plenum press. Sen, A. (2000). *Social exclusion: Concept, application, and scrutiny*
Synnott, A. (1989). Truth and goodness, mirrors and masks--Part I: A sociology of beauty and the face. *The British Journal of Sociology*, 40(4), 607-636.
Wilhelm, P., & Calatayud, M. M. (2016). Family, Peer and Media Influence on Cuban and Mexican Women's Perception of Feminine Beauty and Their Body Esteem. In *Beauty: Exploring Critical Perspectives* (pp. 13-26). Brill.
Zhang, Juyan (2006). «Public diplomacy as Symbolic interactions: A case study of Asian tsunami relief campaigns», *Public Relation Review*, 32:26-32.